

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسگران
تلفن ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵
E_mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدالکلیان
تلفن ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰
E_mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱۶ اردیبهشت ۱۳۸۸، ۶م می ۲۰۰۹

Iskraa_nkk@yahoo.com

منصور حکمت
www.m-hekmat.com

سر دبیر: منصور فرزاد - عبدالکلیان



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

ایسکرا ۴۶۵

دنیای را زیر پای جنایتکاران و قاتلین کودکان داغ کنیم اعلام هفته علیه اعدام (شنبه ۹ مه تا شنبه ۱۶ مه)



جمهوری اسلامی مقام اول
اعدام کودکان و نوجوانان را
نصب خود کرده است. جمهوری
اسلامی با اعدام بیرحمانه
دلارا خشم و اعتراض بی
سابقه ای را چه در ایران و چه در
جهان علیه خود و علیه کل
دستگاه جنایت و اعدام به ویژه
اعدام کودکان و نوجوانان

برانگیخته است. این اعتراضات
رعدی در آسمان بی ابر نبود.

صفحه ۲

در صفحات دیگر:

به مدافعین پرشور رهایی انسان درکناال جدید!

صفحه ۳

محمد امین کمانگر

اخباری از "کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی" و
فعالیتهای آن برای آزادی دستگیرشدگان در اول ماه مه
صفحه ۴

صفحه ۵

نسل سوخته، نامه ای از فرزاد کمانگر

آزادی دستگیر شدهگان مراسم اول ماه مه ۲۰۰۹ سندج و
استقبال از آنها
صفحه ۶

حمایت وسیع کارگران مراکز مختلف تولیدی و خدماتی سندج از
کارگران دستگیر شده اول ماه مه در تهران
صفحه ۷

صفحه ۷

اخباری از شهرهای کردستان

صفحه ۱۰

خودداری دادگاه از آزادی فرهاد حاج میرزائی

اخبار و گزارشات اول ماه مه

کرمانشاه نیز درمورد اهمیت روز جهانی
کارگر سخنرانی کرد. کارگران در سخنرانی
های خود وضعیت غیرانسانی حاکم بر طبقه
کارگر و مردم محروم را محکوم کردند.

طبق گزارش اتحادیه آزاد کارگران، در
طول این مراسم تعدادی از مسئولین
استاندار و عوامل وزارت اطلاعات و
نیروی انتظامی در میان کارگران حضور
داشتند و پس از سخنرانی کارگران، یکی از
مسئولین استانداری از تجمع کنندگان
خواست به داخل استانداری بروند و در آنجا
با یوسفی رئیس اداره کار صحبت کنند اما
کارگران اعلام کردند امروز یوسفی باید به
حضور ما بیاید و جواب دهد. یوسفی که
توسط استانداری برای جوابگویی به کارگران
احضار شده بود و از در پشتی وارد
استانداری شده بود جرات نکرد به میان
کارگران بیاید. در دقائق پایانی این
مراسم نیروهای لباس شخصی اداره
اطلاعات با سرعت خود از در استانداری به
میان کارگران آمدند و شروع به تهدید
کردند، اما کارگران با اتمام موفقیت آمیز

صفحه ۲

استانداری این شهر دست به تجمع زدند و
مراسم روز کارگر را با شور و شوق برگزار
کردند.

در این مراسم که از ساعت ۱۰ صبح
شروع شد، تعدادی از کارگران درمورد
محرومیت ها و بیحقوقی های کارگران از
جمله مساله اخراج کارگران چینی و کاشی
کرد سخنرانی کردند. فرامرز قربانی عضو
هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و
بازرس انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار

برگزاری مراسم اول مه در کرمانشاه و سقز

در روز اول ماه مه، بیش از ۱۵۰ نفر از
کارگران و مردم کرمانشاه به فراخوان
اتحادیه آزاد کارگران ایران، انجمن صنفی
کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران
کارخانه های چینی کرد، کاشی کرد،
پتروشیمی پلی اتیلن سنگین و پتروشیمی
اوره و آمونیاک کرمانشاه درمقابل



آخرین لحظات زندگی دلارا در اول مه با زندگی میلیونها نفر درهم آمیخت

صفحه ۱۰

عبدالکلیان

اول مه ۸۸ نقطه عطفی مهم و تعیین کننده در جامعه ایران بود



محمد آسگران

بود. برای اولین بار اکثریت فعالین
شناخته شده کارگری و تشکلهای

صفحه ۸

امسال ادعانامه کارگران علیه
سرمایه از همیشه برجسته تر بود.
طبقه کارگر در ایران هر ساله وارد
یک کشمکش حاد با سرمایه داران و
دولتشان بر سر اول مه شده است. اما
اتفاقی که کارگران و تشکلهای
کارگری در ایران در سال ۸۸ شمسی
خلق کردند متفاوت از سالهای قبل

اول مه روز جهانی کارگر هر
ساله در ایران همانند دیگر نقاط
جهان گرمی داشته شده است.
تشکلهای و فعالین کارگری به انجا
مختلف با سازمان دادن جشن و
مراسم و تظاهرات و... تلاش کرده
اند مطالبات خود را مطرح و جامعه
را متوجه خواسته هایشان کنند.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

مراسم در ساعت ۱۲ ظهر تصمیم به پایان مراسم گرفتند.

در سقر نیز امروز مراسم اول مه به فراخوان کمیته هماهنگی و اتحادیه آزاد کارگران ایران در محل سنديکای خبازان برگزار شد. دو پلاکارد در گرامیداشت اول مه نصب شده بود. در این مراسم قطعنامه سراسری کارگران خوانده شد، اسماعیل نیازی و محمد عبیدی پور سخنرانی کردند و کاوه محمدی از طرف اتحادیه آزاد کارگران پیامی قرائت کرد. کارگران دو پلاکارد در محل نصب کرده بودند و در محل شیرینی و شکلات پخش کردند. مراسم از ساعت ده و ربع صبح شروع شده و تا یازده و نیم ادامه یافت.

در کرمانشاه و سقر نیروی سرکوب رژیم در محل مستقر شد بود تا مانع پیوستن مردم به تجمعات اول مه شود.

بازداشت پنج نفر از فعالین کارگری در سنندج

جمهوری اسلامی برای جلوگیری از برگزاری و راهپیمایی اول مه در سنندج پنج نفر از فعالین شناخته شده کارگری در این شهر، شریف ساعد پناه، صدیق کریمی، مجید حمیدی، خالد حسینی و ژبان سبحانی را صبح آروز دستگیر کرد.

حمله جمهوری اسلامی به تظاهرات بزرگ مردم تهران کرد و دستگیری دهها نفر

در ساعت ۵ عصر اول ماه مه طبق فراخوان قبلی بیش از ۱۵۰۰

نفر در پارک لاله تهران گرد آمدند تا اول مه را گرامی بدارند و علیه این شرایط غیرانسانی اعتراض کنند. در حالیکه هنوز دسته دسته مردم بطرف پارک لاله میرفتند، جمهوری اسلامی از ترس گسترش تجمع مردم تهران، جویانه و با گاز اشک آور و ضرب و شتم به صف مردم حمله کرد و دهها نفر را دستگیر کرد.

تعدادی از فعالین کارگری از جمله تعدادی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران و کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های آزادی کارگری و کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری جزو دستگیر شدگان هستند. اسامی فاطمه شاه نظری، بهروز خباز، جعفر عظیم زاده، سعید یوزی، مریم محسنی، علیرضا خانی، مهدی فراهی شاندیز، شاپور احسانی راد و فائق کیخسروی که در همان دقایق گزارش شد.

یورش سرکوبگران به راهپیمایی مردم سنندج

چند صد نفر از کارگران و مردم سنندج طبق برنامه اعلام شده در ساعت ۵ بعدازظهر در میدان امیریه تجمع کردند و در حالیکه پلاکاردهائی در دست داشتند و شعار میدادند به طرف میدان کوه نورد شروع به راهپیمایی کردند.

سرکوبگران حکومت به تظاهرات کنندگان حمله کردند و بیش از ده نفر از آنان را دستگیر کردند.

عوامل لباس شخصی، در لحظه آغاز مراسم مبادرت به جمع آوری پارچه نوشته هایی که در دست تظاهرات کنندگان بود، کردند اما با مقاومت آنان روبرو شده و کارگران از تحویل دادن کاغذ نوشته های که در دست داشتند خودداری کردند و بطرف میدان کوه نورد به حرکت درآمدند. تظاهرات کنندگان شعار میدادند: زنده باد کارگر کارگر و زندانی سیاسی آزاد باید گردد. روی مقواهایی که در دست تظاهرات کنندگان بود نیز نوشته شده بود: "رفاه، آموزش و پرورش برای همه"، "زنان، کارگران، دانشجویان، معلمین، اتحاد اتحاد"، "قرارداد موقت لغو باید گردد"، "فعالین زندانی آزاد باید گردند" و "کارگران جهان متحد شوید". پس از طی مسافت ۳۰۰ تا ۴۰۰ متر،

نیروهای سرکوب رژیم از انتظامی و لباس شخصی به جمعیت یورش بردند و مردم را مورد ضرب و شتم قرار دادند و بیش از ده نفر را دستگیر کردند.

صبح آن روز نیز پنج نفر از فعالین کارگری بازداشت شدند و پس از ساعاتی با قید ضمانت آزاد شدند.

درگیر ی کارگران قصر شیرین با سرکوبگران

کارگران خشمگین اراک به طرف فرمانداری سنگ پرتاب کردند

بنا بر اخبار منتشره در سایت آژانس ایران خبر، بیش از ۱۵۰۰ نفر از کارگران قصر شیرین، صبح روز ۱۱ اردیبهشت از ساعت ده صبح دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان پلاکاردهائی تحت عنوان کارگر حقش رامیخواهد، صدقه از دولت نمیخواهد و انتخابات فرمایشی تحریم است، تحریم است با نیروهای سرکوب رژیم که برای ممانعت از برگزاری این تظاهرات گسیل شده بودند درگیر شدند.

بنا بر این گزارش در این درگیری نیروهای سرکوب حکومت به ضرب و شتم کارگران معترض پرداخته و حدود ده تن از کارگران را دستگیر کردند.

طبق گزارش دیگری از همین منبع در اراک نیز روز ده اردیبهشت، حدود ۵۰۰ نفر از کارگران شرکت های صنایع آذراب و واگن پارس و چند شرکت دیگر از ساعت ۷ و نیم صبح در مقابل فرمانداری این شهر تجمع کردند و اقدام به پرتاب سنگ به ساختمان فرمانداری کردند که با

دخالت نیروهای پلیس و امنیتی مواجه شدند و یک ربع بعد متفرق شدند.

اول مه در تبریز و رشت

طبق گزارشی که به کانال جدید رسیده بود، عصر روز اول مه حدود ۱۵۰۰ نفر از مردم رشت در پارک شهر رشت مقابل استانداری گرد آمدند تا همراه با مردم سایر شهرها اول مه را گرامی بدارند. نیروهای سرکوب رژیم، خیابانی را که استانداری در آن واقع شده و یک درب پارک در آن قرار دارد بستند و ماموران انتظامی در تمام مدت در داخل پارک به گشت زنی پرداختند تا مانع مردم شوند. مردم منتظر فرصتی بودند که مراسم را برگزار کنند اما فضای پلیسی این امکان را به آنها نداد.

در تبریز نیز بیش از ۵۰۰ نفر که اکثرا از کارگران کارخانه های تبریز بودند، در میدان بازار گرد آمدند اما این محل توسط نیروهای امنیتی - نظامی رژیم قرق شده بود و مردم با فشار نیروهای سرکوب حکومت پراکنده شدند.

توضیح:

این اخبار بر اساس اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری تنظیم شده است

دنیای را زیر پای جنایتکاران ...

از صفحه ۱

تحرك وسیع و بیسابقه اعتراضات داخلی و بین المللی علیه اعدامهای جمهوری اسلامی خود محصول اروج جنبش عظیم ضد اعدام در ایران است. جدال بر سر حق زندگی دیگر دیگر تنها جدالی بین متهمین و قاضیان جنایتکار اسلامی نیست. میدان این جدال دیگر تنها به اتساق های دربسته دادگستریها محدود نمیشود. فضای به عظمت یک دنیا برای این جدال گشوده شده است. دیگر تنها این قاضیان شرع

اسلامی نیستند که در باره متهمین قضاوت میکنند مردم آزادیخواه و انسان دوست در سراسر جهان به قاضی و داوران منصف محاکمات ناعادلانه جمهوری اسلامی بدل شده اند. در بطن این موقعیت جدید باید پایه ها و ریشه های جنبش علیه اعدام را در افکار عمومی جهان تثبیت کرد. باید در تمام دنیا چنان فضای داغ و پریشوری را ایجاد کرد تا جمهوری اسلامی بدانند با ارتسکاب هر جنایتی دنیای زیر پایش می شود.

کمیته بین المللی علیه اعدام به منظور عمیق تر کردن و هر چه گسترده تر کردن فضای اعتراض به اعدامهای جمهوری اسلامی و بطور مشخص اعدام کودکان و نوجوانان هفته آینده ۹ مه، همراه هفته تجزیه اعدام در ایران اعلام کرده و مجموعه فعالیتهایی کمپین لایستی را در دستور کار خود میگذارد.

هفته علیه اعدام هفته نمایش پرشکوه مدافعین حق زندگی مخالفین اعدام و هفته ابراز وجود علنی و مادی جنبش بین المللی علیه اعدام در ایران است

هفته علیه اعدام یک هفته تلاش و فعالیت فشرده و متمرکز برای کند کردن و از کار انداختن ماشین جنایت جمهوری اسلامی است.

هفته امید به متهمین زیر اعدام. امید به صدها نوجوانی که هر روز و هر شب با کابوس مرگ و اعدام در سلولهای کوچک و محقر خود دست و پا میزنند.

ما در اطلاعیه های بعدی رتوس اقدامات و فعالیتهای این هفته در کشورهای مختلف را به اطلاع عموم میرسانیم.

کمیته بین المللی علیه اعدام از همه انسان های شریف

و آزادیخواه از تمامی سازمانها و نهادهای مدافع حقوق بشر و مخالف اعدام میخواند که در این هفته به کارزار و کمپین ما پیوسته و جبهه مبارزه علیه اعدام در ایران را هر قویتر سازند. کمیته بین المللی علیه اعدام همچنین مردم ایران را فرا میخواند تا در این روز بهر طریق ممکن از برگزاری مراسمهای یادبود دلار گرفته تا تجمعات مختلف و ایجاد کاروانهای دفاع از حق زندگی به این کمپین پیوندند.

کمیته بین المللی علیه

اعدام

۴ مه ۲۰۰۹



محمد امین کمانگر

ملت‌تپه اوضاع ایران را از دماسنج کانال جدید ببینند تا شروع کوبنده طوفان عظیم مردم را بدانند. بحث‌های شور انگیزی که در این کانال در رابطه با امر رهایی و زندگی انسان، در رابطه با شأن و حرمت انسان و دادن امید و افق روشن از یک زندگی بهتر و با بزرگ‌کشیدن فاشیست‌های اسلامی داده می‌شود، بسیاری از اینها را مردد کرده و در مقابل اعمال ضد انسانی و ضد بشری خود پشیمان می‌گردند.

زنده باد انسانیت.
زنده باد کانال جدید.
۲۰۰۹ م ه ۳

حزب در این کانال انسانیت و موجودیت انسان را فریاد می‌زنند. فریاد علیه اوضاع و مناسبات ضد انسانی ای که میلیون‌ها انسان در آن در اوج گرسنگی و بی‌پناهی آسمان را لحاف و زمین را بستر خود کرده‌اند. فریاد علیه مناسبات و سیستمی که در آن خود کشی و اعدام و قتل و جنایت و بی‌حرمتی ساختار آن را تشکیل داده است. فریاد علیه نظامی که حرص و طمع و کلاه برداری و دزدی را فقط برای زنده ماندن تولید و باز تولید می‌کند. شماها نه تنها این اوضاع درد آور و این جهان وارونه را بنقد می‌کشید بلکه مبلغین مروجین و سازماندهندگان هستید که امر رهایی انسان را نشان می‌دهید و به انسانیت معنا می‌دهید. مدافعین پرشور انسانیت هستید. تا جایی که به دشمنان قسم خورده کمونیسم و دشمنان انسانیت که در اوج استیصال و درماندگی پای برنامه‌های این کانال (به قول مردم کانال انقلاب) می‌نشینند تا دمای

کانال و از زبان شما در رابطه با موضوعات و مسائل مختلف جهانی اعلام بسور برجسته ای نمایان است. این کانال بستری شده تا انسان‌های بی‌شماری با حضور خود در این کانال و استفاده از این تریبون بتوانند از سرنوشت خود و هم‌نوعانشان برای بهتر زندگی کردن دفاع نمایند و دخالت کنند و مخالفین و موافقین نیز در مقابل هم بتوانند اظهار نظر کنند، بتوانند قانع شوند و قانع نمایند. اینچنین است که میلیون‌ها انسان در سراسر ایران و خارج از آن بهم پیوند خواهند خورد.

در تاریخ چپ، در طول تاریخ کمونیسم و سوسیالیسم انسانی، هیچگاه اینچنین رسا از کمونیسم و از اندیشه‌های آزاد کمونیستی در سطح جهانی دفاع نشده است. هیچگاه اینچنین روشن و شفاف به زبانی ساده و وسیعاً برای توده‌ها بیان نشده است که کمونیسم چیست. سوسیالیسم یعنی چه و کمونیست‌ها چه می‌خواهند. این

به مدافعین پرشور رهایی انسان در کانال جدید!

حزب است. در خدمت توضیح مبانی فکری سیاستها و جهت گیریهای حزب پیش می‌رود و قدم بدم دارد انقلاب را سازمان می‌دهد. بحث‌هایی که از طرف رهبران حزب در این کانال ارائه می‌شود و تماس‌هایی که از طرف مردم گرفته می‌شود، به نا باوری کسانی که می‌گفتند سوسیالیسم زود است که می‌گفتند این کار نمی‌شود، پایان داد. من هم مانند یکی از بیننده گان کانال جدید هم مانند عضو این حزب به شما و به تمام کسانی که فعالیت کانال جدید را در جهت زنده نگه داشتن این تریبون و این سیمای انسانی میسر کرده است صمیمانه ارج می‌نهم و به وجود و حضورتان افتخار می‌کنم. در این کانال نبرد رو در رویی را علیه سازماندهندگان این جهان وارونه و علیه فاشیست‌های اسلامی ایران شروع کرده‌اید. انسانیت در این

باسلامهای گرم، امیدوارم که در راه اهدافی که در پیش دارید موفق و پیروز باشید. رفقای عزیز: شما با حضورتان در کانال جدید موقعیتی را در مقابل جامعه قرار داده‌اید که مردم اینبار خوبی می‌دانند چه می‌خواهند و حول چه سیاستی باید متحد و متشکل شوند و عملاً دارند انسانی‌ترین راه را انتخاب می‌کنند. مردم می‌دانند که این حزب آمده است که بماند، که سازمان بدهد و انقلاب مردم را در جهت درستی هدایت کند. آمده که قدرت سیاسی را متصرف شود تا بتواند تغییرات بنیادی را در جامعه انجام دهد. حزب با تمام توان این کانال و این خط انسانی و سوسیالیستی را تقویت و به پیش خواهد برد. این کانال حاصل و دستاورد سنت کمونیسم کارگری و فعالیت شبانه روزی کادرها و اعضا و دوستان

آزادی دستگیر شده‌گان مراسم اول ماه مه ۲۰۰۹ سندج و استقبال از آنها



باز کردن دستبند و چشم بند آنها خود داری ورزیده‌اند. ما اعضای کمیته برگزار کننده مراسم اول ماه مه ۲۰۰۹ سنندج آزادی این دوستان را به آنها و خانواده هایشان، طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری تبریک گفته و قاطعانه خواستار آزادی بی قید و شرط کلیه دست گیرشدگان روز جهانی کارگر در دیگر شهرهای ایران هستیم.

خیابان ژاندارمری با گلباران و پخش شیرینی از نامبرده گان استقبال نمودند. لازم به ذکر است دو نفر از بازداشت شدگان به نام‌های شب بو خلیلی و شیوا سبحانی از زمان دستگیری مورخه ۱۱ اردیبهشت تا انتقال و استقرار در بازداشتگاه (حتی حین خواب) تا زمان آزادی دست هایشان دستبند و چشم‌هایشان با چشم بند بسته شده بود و مامورین از

۱- شب بو خلیلی (گلریز) ۲- شیوا سبحانی ۳- فرزام عبدی ۴- فواد کیخسروی ۵- بابک باجلانی ۶- منصور کریمیان).

از ساعت اولیبه صبح امروز جمعی از فعالین کارگری، کارگران و خانواده های دستگیر شدگان در مقابل دادگستری سنندج واقع در میدان بسیج، تجمع نموده و خواستار آزادی زندانیان خود شدند.

راس ساعت ۱۳:۴۵ دقیقه بعد از خروج، دستگیر شدگان از ساختمان دادگستری، تجمع کننده گان در پارک صبا انتهای

و انتظامی دستگیر شده بودند، امروز شنبه ۱۲ اردیبهشت ماه ساعت ۱۳:۴۵ دقیقه با قرار وثیقه ۲۶ میلیون تومانی آزاد شدند (آزاد شده گان عبارتند از:)

همانطور که در گزارش قبلی کمیته برگزار کننده اول ماه مه ۲۰۰۹ سنندج به اطلاع رسید، شش نفر از شرکت کننده گان در این مراسم که توسط نیروهای امنیتی



اخباری از "کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی" و فعالیتهای آن برای آزادی دستگیرشدگان در اول ماه مه

شرط دستگیر شدگان اول مه شوند.

تجمع اعتراضی خانواده های دستگیرشدگان اول مه در مقابل دادگاه انقلاب در تهران

از ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۳ اردیبهشت خانواده های ۷۰ نفر از دستگیر شدگان اول مه به همراه تعدادی دیگر از مردم معترض که جمعیتی حدود ۱۵۰ نفر میشدند، در مقابل دادگاه انقلاب در تهران دست به تجمع زدند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط عزیزان خود شدند. بنا به گزارش برای دستگیرشدگان مرد وثیقه های ۵۰ تا ۱۰۰ میلیونی تعیین شده است و در مورد دستگیر شدگان زن گفته شده است که بعد از ۱۵ اردیبهشت پرونده آنها بررسی خواهد شد. اما خانواده اعلام کردند که خواهان آزادی بی قید و شرط دستگیر شدگان هستند. در این تجمع اعتراضی از خانواده ها خواسته شد که از جلو دادگاه انقلاب متفرق شوند. اما خانواده ها اعلام کردند که تا از وضعیت بازداشت شدگان مطلع نشویم، هیچ کجا نخواهیم رفت. تجمع کنندگان در ۳۰۰ متری محل به تجمع خود و اطلاع رسانی به مردم در مورد این دستگیریها ادامه دادند. طبق آخرین گزارشات هنوز به خانوادهها اجازه داده نشده که با عزیزانشان ملاقات کنند و فقط توانستند آن ها را با فاصله ببینند.

خانواده ها اعلام کرده اند که روز ۱۴ اردیبهشت دوباره در مقابل دادگاه انقلاب تجمع خواهند کرد. خانواده ها بطور جمعی نامه ای نوشته و در آن اعلام کرده اند که وثیقه را نمی پذیرند و توان مالی آنرا هم ندارند. عزیزان آنها جرمی نکرده اند و باید فوراً از زندان آزاد شوند.

بنا به گزارشها در تجمع اول مه روز جهانی کارگر، در پارک لاله تهران حدود ۱۷۰ نفر دستگیر شده اند که حدود ۲۷ نفر آنها آزاد شده و باقی به زندان اوین انتقال داده شده

بنا به آخرین گزارشات رژیم اسلامی در تظاهرات اول مه تهران حدود ۱۷۰ نفر را دستگیر کرده است. از این تعداد ۵۰ نفر زن و ۱۲۰ نفر مرد گزارش شده اند. تا این لحظه اسامی - جعفر عظیم زاده و شاهپور احسانی راد از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، منصور حیات غیبی، امیر یعقوبعلی و غلامرضا خانی از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران، بهروز خباز عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، علی رضا ثقفی عضو کانون مدافعان حقوق، سعید یوزی عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری، فاطمه شاه نظری، مریم محسنی، علیرضا خانی، لاله محمدی، مریمی یمینی، افسانه عظیم زاده، حسن میربهراری، محمد اشرفی- مهدی شاننیز فراهانی- یونس ارژنگ- فرهاد -م- صالح کیا آبادی- حمید یعقوب علی- محمد فرجی- محمد احسان- علیرضا ثقفی- محسن ثقفی- سیروس فتحی- شریفه فتحی- مهران یزدی- مریم میربهراری- احمد داوودی- مریم یمینی فر- بهزاد خباز- امید شفیعی- محمود حسینی- نسرين عليزاده - طاهای ولیزاده- پروانه قاسمیان منتشر شده است. از میان زنان دو نفر آزاد شده اند و باقی را به زندان اوین انتقال داده اند که برای آنها وثیقه های ۵۰ تا ۱۰۰ میلیون تعیین شده است. از میان دستگیر شدگان مرد حدود ۲۵ نفر امروز ۱۲ اردیبهشت آزاد شدند و باقی را به زندان اوین انتقال داده اند که در قبال آزادی آنها وثیقه های سنگین تعیین شده است. فردا ۱۳ اردیبهشت قرار است دستگیر شدگان را به دادگاه انقلاب ببرند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از همه انسانهای آزادیخواه میخواهد که همراه با خانواده های این عزیزان فردا در مقابل دادگاه انقلاب جمع شوند و خواهان آزادی فوری و بدون قید و

اند. اسامی تعدادی از دستگیرشدگان که تا روز ۱۳ اردیبهشت منتشر شده است، عبارتند از:

۱- جعفر عظیم زاده، ۲- شاپور احسانی راد، ۳- بهرام (عیسی) عابدینی، ۴- سعید یوزی، ۵- بهروز خباز ۶- یونس ارژنگ ۷- مریم محسنی ۸- محمد اشرفی ۹- لاله محمدی ۱۰- شریف محمدی ۱۱- افسانه عظیم زاده ۱۲- فاطمه اقدامی ۱۳- فاطمه شاه نظری ۱۴- محمد لطفی ۱۵- مسعود لقمان ۱۶- غلامرضا خانی ۱۷- منصور حیات غیبی ۱۸- بهناز فرمانبر ۱۹- پروانه قاسمیان ۲۰- میثم جعفر نژاد ۲۱- امیر یعقوب علی ۲۲- کاوه مظفری ۲۳- جلوه جواهری ۲۴- علیرضا ثقفی ۲۵- محسن ثقفی ۲۶- اسداله پور فرهاد ۲۷- علی رضا فیروزی ۲۸- پوریا پیش تازه ۲۹- طاهای ولی زاده ۳۰- هما ازدرنیا ۳۱- حمید خادمی ۳۲- عین اله بصیری ۳۳- امید شفیعی ۳۴- نوید یزدی ۳۵- غلامرضا رجبی ۳۶- سجاد سبزیعلی پور ۳۷- آيسان زرفام ۳۸- خوشبخت ۳۹- احمد داوودی ۴۰- محمد سلیمی ۴۱- بهنام ۴۲- محمد احسانی ۴۳- علیرضا خانی ۴۴- مریمی یمینی ۴۵- حسن میربهراری ۴۶- مهدی شاننیز فراهانی ۴۷- فرهاد -م- صالح کیا آبادی ۴۹- سیروس فتحی ۵۰- مهران یزدی ۵۱- مریم میربهراری ۵۲- احمد داوودی ۵۳- بهزاد خباز ۵۴- محمود حسینی ۵۵- نسرين عليزاده ۵۶- اسد ابراهیمی ۵۷- مهدی آمیزش ۵۸- شریفه فتحی ۵۹- بهزاد خباز

از سوی دیگر طبق گزارشی از کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، روز اول مه سندیکای فلزکار مکانیک نیز در محل پاسگاه نعمت آباد مراسمی در گرامیداشت اول مه برپا کردند که در آنجا نیز نیروهای انتظامی این تجمع را مورد حمله خود قرار دادند و ۲۵

نفر از کارگران این سندیکا دستگیر شدند که از سرنوشت آنها خبری در دست نیست.

برپایی اول مه، و برپایی تجمع حق بدون قید و شرط و مسلم کارگران و کل جامعه است. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی حمله جمهوری اسلامی به تجمعات اول مه را شدیداً محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیر شدگان اول مه است.

آزادی دو نفر دیگر از دستگیر شدگان اول مه

شب ۱۳ اردیبهشت دو نفر از دستگیر شدگان اول مه در پارک لاله با قید کفالت از زندان آزاد شدند. به گزارش سایت اتحاد یکی از افراد آزاد شده به اسم غلامحسین رجبی گفته است که زندانیان در بند ۲۴۰ اولن نگهداری میشوند و از روحیه بالایی برخوردارند. در عین حال خانم های بازداشت شده نیز با خانواده های خود تماس تلفنی گرفته و اعلام کرده اند که روز ۱۴ اردیبهشت از ساعت ۵ تا ساعت ۱۲ ظهر می توانند ملاقات داشته باشند و در گفتگو با خانواده های خود بر بی گناهی خود تاکید کرده و خواسته اند که از سپردن وثیقه های سنگین برای آزادی آنان خودداری کنند.

- عصر روز ۱۲ اردیبهشت ۲۵ نفر از بازداشت شدگان از زندان آزاد شدند و برای برخی از بازداشت شدگان از جمله جعفر عظیم زاده رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران قرار ۵۰ میلیونی تعیین شده است.

- از ساعت اولیه صبح روز ۱۲ اردیبهشت جمعی از فعالین کارگری، کارگران و خانواده های دستگیر شدگان در مقابل دادگستری سنندج واقع در میدان بسیج، تجمع نموده و خواستار آزادی زندانیان خود شدند. ساعت دو عصر بود که ۶ نفر افراد

بازداشت شده در سنندج به اسامی فایق کیخسروی، شیوا سبحانی، منصور کریمیان، فرزام ابدی، شب بو خلیلی، بابک باجرانی با قرار وثیقه هر نفر ۳ میلیون تومان آزاد شدند. به محض خروج، دستگیر شدگان از ساختمان دادگستری، تجمع کنندگان در پارک صبا انتهای خیابان ژاندارمری با گلباران و پخش شیرینی از نامبرده گان استقبال کردند. بنا به گزارش دو نفر از بازداشت شدگان به نامهای شب بو خلیلی و شیوا سبحانی از زمان دستگیری تا انتقال واستقرار در بازداشتگاه (حتی حین خواب) و تا زمان آزادی دست هایشان دستبند و چشمهایشان با چشم بند بسته شده بود و مامورین از باز کردن دستبند و چشم بند آنها خود داری کرده بودند.

همانطور که قبلاً گزارش کردیم در جریان حمله به تجمعات اول مه در تهران بیش از ۱۷۰ نفر و در سنندج نیز ۶ نفر بازداشت شدند. که تا کنون گزارش آزادی ۲۷ نفر در تهران و ۶ نفر در سنندج را منتشر شده است.

اسامی تعدادی از دستگیر شدگان اول مه تا روز ۱۴ اردیبهشت:

۱- جعفر عظیم زاده ۲- شاپور احسانی راد ۳- بهرام (عیسی) عابدینی ۴- سعید یوزی ۵- بهروز خباز ۶- یونس ارژنگ ۷- مریم محسنی ۸- محمد اشرفی ۹- لاله محمدی ۱۰- شریف محمدی ۱۱- افسانه عظیم زاده ۱۲- فاطمه اقدامی ۱۳- فاطمه شاه نظری ۱۴- محمد لطفی ۱۵- مسعود لقمان ۱۶- غلامرضا خانی ۱۷- منصور حیات غیبی ۱۸- بهناز فرمانبر ۱۹- پروانه قاسمیان ۲۰- میثم جعفر نژاد ۲۱- امیر یعقوب علی ۲۲- کاوه مظفری ۲۳- جلوه جواهری ۲۴- علیرضا ثقفی ۲۵- محسن ثقفی ۲۶- اسداله پور فرهاد ۲۷- علی رضا فیروزی ۲۸- پوریا پیش تازه ۲۹- طاهای ولی زاده ۳۰- هما ازدرنیا ۳۱- حمید خادمی



فرزاد کمانگذر

می‌شود (قبل از آن چیزی به یاد ندارم)

روزی از چهارسوی روستای مان ورود جوانان مسلحی را به نظاره نشستیم، اولین بار بود تفنگ را به چشم می‌دیدم، اولین نفر گلوله هراس عجیبی در من ایجاد کرد. دیگر فرصتی برای شمردن چشمه‌های اطراف روستا نمانده بود. کاری که هنوز هم آرزویم را دارم و ناتمام ماند، فرصتی برای بستن تاب بقیه در صفحه ۶

جای خواندن داستان‌های علمی-تخیلی یا به دنبال خواندن اساس‌نامه‌ی فلان حزب بودیم و شیوه‌های جنگ مسلحانه یا درس مان تاریخ ادیان بود. به جای نوشتن شعر برای معشوق یا تاریخ جنبش‌های آمریکای لاتین را می‌خواندیم یا درسمان مبارزات مسلمانان کومور و موریتانی بود. هنوز کودکی نکرده بودیم که وارد دنیای بزرگسالی مان کردیم. حتی فرصتی برای عشق و عاشقی هم نمانده بود.

.. عزیز

کودکی من با بوی سرب و گلوله و رگبار تفنگ آغاز شد. روستای زیبای ما با آن همه چشمه که اکنون جز ویرانه چیزی از آن به جای نمانده در میان چند کوه محصور شده بود به کندوی زنبور عسلی می‌ماند که راه‌های بسیاری از اطراف به آن ختم میشد. خاطرات من از این روستا و این گونه آغاز

بزرگ شود، آخر قصه‌ی کودکی‌های ما تعداد کشته‌ها در فلان کوهستان یا ساعتها جنگ در فلان کوه بود. باور کن نگذاشتند کودکی کنیم شاید به همین دلیل باشد که هنوز در سی و چند سالگی دوست دارم بازیهای کودکانه انجام دهم. شاید به همین دلیل باشد که این قدر از بازی با بچه‌ها لذت می‌برم و هنوز آرزو دارم باز فرصتی پیش آید تا پای ثابت حلقه‌ی عمو زنجیر باف و گرم‌گرم به هوای کودکان شوم.

از نسل ما بازی، شادی و لذت را گرفتن به همین خاطر چیزی از کودکی‌ها به یاد ندارم. حال تو بگو، اگر از شعر تو اعتراض، فریاد و عشق را بگیرند، چه می‌ماند؟ اگر از طبیعت بهار را و از شب، ماه و ستاره را بزدند چه می‌ماند و حال بگو اگر از یک انسان کودکی‌اش را بگیرند از او چه به جا می‌ماند؟

.. عزیز

در دوران نوجوانی مان نیز به

نسل سوخته، نامه ای از فرزند کمانگر

قلقلی را باید از بابا جایزه می‌گرفتم و پاهایم را باید دراز می‌کردم تا مادر برایم اتل متل می‌گفت. باید معلمان به ما یاد می‌دادند تا برای خورشید و آسمان شعر بسراییم، باید همراه درخت‌ها قد می‌کشیدیم، باید با رودخانه جاری می‌شدیم، باید با پروانه‌ها آسمان را در می‌نوردیدیم و باید و باید و باید و باید و... ولی موسیقی ما مارش نظامی بود، شعر ما برای تفنگ و سنگر بود و از ترس هلی‌کوپتر جرات به آسمان نگاه کردن را هم نداشتیم. در دهه‌ی سوم زندگی‌ام فهمیدیم قصه‌ی بلد نیستیم، اصلاً نمی‌دانستم که کودک باید پای قصه پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها بنشیند و به قصه‌ی خرگوش شجاع و جوجه اردک زشت گوش کند و با آن‌ها بخوابد. نمی‌دانستم که کودک باید با رویاهایش زندگی کند و با آن‌ها

طوفان تبر زنگار بسته‌اش را زمین بگذارد
نرگه‌ای می‌خواهد برود
تفنگ‌ها لال شوند
کودکی می‌خواهد بخوابد
خانم... عزیز
سلام

گفتی که نامه بابا آب داد را دوست داری و با روحیات تو نزدیکی بسیاری دارد، راست‌اش را بخواهید آن نامه را با تمام وجود برای دانش آموزان‌ام و برای کودکی‌های خودم نوشتم و در آن آرزوها و رویاهای‌ام را بر روی کاغذ آوردم. کودکی من (و نسل ما) به گونه‌ی بوده تأثیرات عمیقی بر همه‌ی وجوه زندگی‌مان گذاشته است. من شعری از کودکی‌ام به یاد ندارم. اصلاً شعری به ما یاد ندادند. تازه در دهه‌ی سوم زندگی‌ام فهمیدم که توپ

اخباری از کمیته مبارزه ...

از صفحه ۴

باشد و با این کار تلاش میکند تا از تداوم اعتراضات مردم جلوگیری کند و جامعه را به عقب براند. بعلاوه اینکه بطور واقعی وثیقه فشاری سنگین بر روی زندانی سیاسی و خانواده اوست. باید در مقابل این سیاست سرکوبگرانه رژیم ایستاد. تمامی زندانیان سیاسی باید فوراً و بدون قید و شرط از زندان آزاد شوند. باید همراه با خانواده‌های دستگیر شدگان اول مه خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان بدون شرط وثیقه و بدون قید و شرطی شد.

کمیته مبارزه برای آزادی فوری بازداشت شدگان اول مه از همه کارگران و مردم تهران و سراسر ایران میخواهد که وسیعاً و فعالانه در تجمع اعتراضی خانواده‌های آنها که اعلام کرده اند تا آزادی عزیزانشان به تجمعات هر روزه خود ادامه خواهند داد، شرکت کنند و به هر شکلی که میتوانند برای آزادی فوری و بدون قید و شرط این عزیزان تلاش کنند. این کمیته برای آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی تلاش میکند.

خانواده‌های دستگیر شدگان اعلام کرده اند که تا زمان آزادی عزیزانشان به تجمعات هر روزه خود ادامه خواهند داد. آنها طی چند روز اخیر در مقابل دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی تجمع داشتند. کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی از همه انسانهای آزادیخواه میخواهد که وسیعاً به تجمعات اعتراضی خانواده‌های دستگیر شدگان پیوندند و همراه با آنها خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط تمامی دستگیر شدگان از زندان شوند.

جمهوری اسلامی انسانهای معترض را به خاطر عقایدشان به اسارت میکشد. کل جامعه را از حقوق پایه‌ای خود حق تشکل، حق اعتصاب و آزادی بدون قید و شرط عقیده محروم کرده است و بر اساس قوانین آن، نقض هر کدام از اینها جرم محسوب شده و زندان دارد. تعیین وثیقه بعنوان شرط آزاد کردن از زندان، برای زندانیان سیاسی در ادامه چنین سیاستی است. جمهوری اسلامی زندانی سیاسی را در قبال وثیقه آزاد میکند تا هر وقت که بخواهد زندانی را در چنگ داشته

در این روز پنج نفر از دستگیر شدگان آزاد شدند که اسامی آنها به قرار زیر است:

امید شفیع، مهران یزدی، علیرضا فلاح، ساسان لطیفی، حسین روانبخش آزادی این عزیزان را به خانواده و به همه انسانهای آزادیخواه تبریک می‌گوییم.

آزادی ۸ نفر دیگر از دستگیر شدگان زن اول مه

بنا به گزارشات روز ۱۴ اردیبهشت ۸ نفر از دستگیر شدگان زن اول مه به اسامی مریم نصیری، زهرا قنبری- کبری زمضانعلی- مهسا گودرزی- زهرا فراهانی- شیوا دادگر- ندا اسدی و میترا جهانی از زندان آزاد شدند. بنا به گزارش مریم نصیری - شیوا دادگر و مهسا گودرزی بدلیل ضرب و شتم و فشارهای جسمی‌ای که بر آنها وارد شده بود، در زمان بازداشت در بهداری بستری بودند. همانطور که قبلاً گزارش کردیم ۸۳ نفر از دستگیر شدگان اول مه در پارک لاله تهران زن بودند که در روز بعد از ساختمان وزرا به بند زنان اوین انتقال داده شدند.

ظاهر ادامه داشت. به خانواده‌ها اعلام کردند که مساله وثیقه نیست. مساله ضامن نیست و حتی برای یک نفر که ضامن تعیین کرده بودند، آنها را نیز رد کردند و گفتند که مساله اینست که هنوز پرونده‌ها کامل نیست و فردا بازجویی‌ها انجام میگردد. خانواده‌ها فردا دوباره در مقابل دادگاه انقلاب جمع خواهند شد.

آزادی ۵ نفر دیگر از دستگیر شدگان اول مه

روز ۱۴ اردیبهشت پیش از صد نفر از خانواده‌ها و مردم معترض برای پیگیری وضع دستگیر شدگان اول مه در مقابل دادگاه انقلاب اسلامی واقع در خیابان شریعتی، خیابان معلم تجمع کردند. گزارش‌های رسیده حاکیست که تعداد زنان دستگیر شده در اول مه در پارک لاله ۸۳ نفر است که در بند زنان اوین بسر می‌برند. گفته میشود که سه نفر از آنها در بهداری بستری هستند. همچنین گزارش شده بود که

۳۲- عین اله بصیری ۳۳- امید شفیع ۳۴- نوید یزدی ۳۵- نسرين علیزاده ۳۶- سجاد سیزعلی پور ۳۷- آيسان زرفام ۳۸- خوشبخت ۳۹- احمد داوودی ۴۰- محمدی سلیمی ۴۱- محمد احسانی ۴۲- صالح کیا آبادی ۴۳- حمید یعقوب علی ۴۳- سیروس فتحی ۴۴- شریفه فتحی ۴۵- مریم میربهراری ۴۶- مریم یمنی فر ۴۷- محمود حسینی ۴۸- ...

روز ۱۳ اردیبهشت خانواده‌ها بصورت جمعی نامه‌ای به مقامات قضایی جمهوری اسلامی دادند و اعلام کردند که خواهان آزادی بدون وثیقه و بدون قید و شرط بازداشت شدگان هستند.

از ساعت ۹ صبح روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت خانواده‌های ۷۰ نفر از دستگیر شدگان اول مه به همراه تعدادی دیگر از مردم معترض در مقابل دادگاه انقلاب در تهران دست به تجمع زدند و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط عزیزان خود شدند. این تجمع تا ساعت ۴ بعد از

آزادی دستگیر شده‌گان مراسم اول ماه مه ۲۰۰۹ سنندج و استقبال از آنها



دوستان را به آنها و خانواده هایشان، طبقه کارگر و فعالین جنبش کارگری تبریک گفته و قاطعانه خواستار آزادی بی قید و شرط کلیه دست گیرشدگان روز جهانی کارگر در دیگر شهرهای ایران هستیم. کمیته برگزار کننده مراسم اول ماه مه ۲۰۰۹ سنندج

۱۲/۲/۸۸

زمان دستگیری مورخه ۱۱ اردیبهشت تا انتقال و استقرار در بازداشتگاه (حتی حین خواب) تا زمان آزادی دست هایشان دستبند و چشمهایشان با چشم بند بسته شده بود و مامورین از باز کردن دستبند و چشم بند آنها خود داری ورزیده اند.

ما اعضای کمیته برگزار کننده مراسم اول ماه مه ۲۰۰۹ سنندج آزادی این

کریمان).
از ساعت اولیه صبح امروز جمعی از فعالین کارگری، کارگران و خانواده های دستگیر شدگان در مقابل دادگستری سنندج واقع در میدان بسیج، تجمع نموده و خواستار آزادی زندانیان خود شدند.

رأس ساعت ۱۳:۴۵ دقیقه بعد از خروج، دستگیر شدگان از ساختمان دادگستری، تجمع کننده گان در پارک صبا انتهای خیابان ژاندارمری با گلباران و پخش شیرینی از نامبرده گان استقبال نمودند.

لازم به ذکر است دو نفر از بازداشت شدگان به نامهای شب بو خلیلی و شیوا سبحانی از

همانطور که در گزارش قبلی کمیته برگزار کننده اول ماه مه ۲۰۰۹ سنندج به اطلاع رسید، شش نفر از شرکت کننده گان در این مراسم که توسط نیروهای امنیتی و انتظامی دستگیر شده بودند، امروز شنبه



نسل سوخته

از صفحه ۵

روی درخت گردوی حیاطمان نبود، دیگر وقت جمع کردن شاه توت‌های درخت پشت مدرسه نبود، دیگر زمانی برای چیدن گل‌های صحرایی نمانده بود.

کارمان شده بود دیدن زخمی‌ها و کشته‌هایی که به روستا می‌آوردن یا شنیدن گریه و زاری مادرانی که خیر مرگ فرزندان خود را شنیده بودن و از شهرها و روستاها آواره روستای ما می‌شدند. گریه، شیون، خون، بوی باروت و زنده باده‌ها و مرده باده‌ها فضای روستای ما و کودکی مان را آکنده بود.

روزی جوانی زخمی را زیر درخت توت مسجد گذاشته بودند، کسی دور و برش نبود. با ترس به او نزدیک شدم تا یک جوان زخمی را ببینم، او از من طلب آب کرد. بدون این که بدانم آب برای او ضرر دارد. دوان دوان کاسه آبی را برایش بردم که یک نفر از هم‌قطارانم سرم داد کشید، کاسه‌ی آب از دستم افتاد و شروع به گریه کردن کردم. رویم را به طرف

ابراهیم، جوان زخمی در حال مرگ برگرداندم دیدم لبخندی بر لب دارد. آن روز علت لبخند او را نفهمیدم ولی از آن روز لبخند آن جوان در خواب و بیداری بارها به سراغم آمده و رهایم نمی‌کند. شاید او با دیدن من کودکی‌های خود را به یاد آورده بود. من نیز هزاران بار از آن روز با حسرت و بغض به کودکان سرزمینم نگریستم و لبخندی به رویشان زده ام تا کودکی‌های خودم و آینده آنها را مجسم سازم.

..... عزیز، روزی که آن جوانان روستای ما را ترک کردند، گروهی دیگر آمدند با تفنگ‌ها و لباس‌های متفاوت، کسی به فکر مدرسه و کلاس‌مان نبود. همه به فکر سنگر محکم تری بودند، به ناچار روستا را ترک کرده و به شهر آمدیم در آن‌جا هم صدای آمبولانس و جنازه‌ی جوانان که از چپ و راست وارد شهر می‌شد و ما را هم به اجبار به تماشایشان می‌بردند. دست از سر کودکی و نوجوانی‌مان برنداشت. هر روز عصر بعد از پایان مدرسه از فراز تپه خارج شهرمان به تماشای مزارع سوخته گندم که در زیر بارش توپ و تفنگ در حال سوختن بود می‌نشستم و

جنگل‌های بلوط سوخته‌ی شاهو را می‌نگریستم. دیگر فرصتی برای کودکی‌مان نمانده بود.

..... بعدها معلم شدم، تا از دنیای کودکی و از بیجه‌ها جدا نشوم و به روستاهای دامنه‌ی کوه شاهو برگشتم تا شاهوی زخمی را از نزدیک ببینم و با او دوست شوم. درختان بلوط بعد از سالها جان گرفته بودند. کوهستان آرام بود اما هنوز جای زخم‌های عمیق را به یادگار نگه داشته بود.

زنده‌گی در آن جریان داشت، با عشق و علاقه‌ی فراوان به کلاس می‌رفتم، اما فقر و بی‌کاری مردم، کفش‌های پاره و لباس‌های رنگ و رو رفته دانش‌آموزان آزارم می‌داد. با نگاه کردن به سیمای زجر کشیده‌ی آن‌ها روزی هزار بار می‌مردم و زنده می‌شدم هر چند دوست نداشتم شاهد مرگ آرزوهای کودکان سرزمینم باشم اما معلم شده بودم و می‌دانستم که معلمی در این سرزمین یعنی شریک شدن با رنج و درد دیگران و رنج و درد در این قطعه‌ی فراموش شده از دنیا به یک معلم مسئولیت، آگاهی و شخصیت تازه می‌بخشید. باید معلم می‌ماندم



فرزاد کمانگر و شاگردانش

هیچ کدامشان با صدای گلوله‌ی بی نیاشود، کاش امشب قصه‌ی شب هیچ کدامشان بوی باروت ندهد. پس .. عزیز به رسم وفاداری و به جای چشمانم با چشمان زیباییت به چشمانم پر از سوال دانش‌آموزانت بنگر و بارقه‌های کم سوی امید را به نظاره بنشین و لبخندی را که سال‌ها من به امانت نگه داشته بودم به جای من به کودکان سرزمین مان تقدیم کن.

معلم اعدامی، فرزاد کمانگر

سائین ۶ اندرزگاه ۷ زندان

اوین

۱۲ اردیبهشت ماه ۸۸

به حرمت کودکی‌ها، به خاطر رویاهای کودکانه‌ام، معلمی که دوست دارد کودک بماند، حتا در این سن و در زندان.
کودکی با موهای سپید، کودکی که هنوز شیدای بازیهای کودکانه و کودکان سرزمینش هست، اما از همین‌جا و از لای این دیوارها هنوز نفییر گلوله‌ها را در سرزمینم می‌شنوم، همراه با صدای انفجار با کودکان سرزمینم از خواب می‌پریم و با ترس آنها همان هراس کودکی همه‌ی وجودم را در بر می‌گیرد که این‌بار لبخند آن جوان زخمی بر لبان من می‌نشیند و از ته دل آرزو می‌کنم کاش امشب خواب

اخباری از شهرهای کردستان

اعتصاب معلمان در شهرهای کردستان

روز دوشنبه ۱۴ اردیبهشت ۸۸ در شهرهای سنندج، کرمانشاه، مریوان و سقز معلمان برای دست یابی به خواسته‌های خود دست به اعتصاب زدند. معلمان در شهر سنندج در



پایان تجمع خود قطعنامه ای را در ۱۰ مه به تصویب رساندند. در همین روز در کرمانشاه نیز حدود ۲۰۰ نفر از معلمان در مقابل سازمان آموزش و پرورش این شهر و در محاصره ماموران امنیتی و انتظامی خواسته‌هایشان را در ۴ بند اعلام کردند. خواست معلمان اعتصابی

در شهرهای کردستان عبارت بود از: پرداخت هماهنگ حقوقها، حمایت و پشتیبانی از خواست و مطالبات معلمان سراسر کشور، برسمیت شناخته شدن حق تشکل و اعتصاب، لغو احکام صادره علیه معلمان و پایان دادن به پرونده سازی، آزادی فرزاد کمانگر، لغو حکم تبعید اسکندر لطفی و جمال خوال، آزادی بیسان، پشتیبانی از مطالبات کارگران، پرستاران، روزنامه نگاران و دیگر اقشار جامعه، ایجاد شرایط بهتر برای دانش آموزان، بهبود وضعیت معلمان و.. از جمله خواست و مطالبات معلمان در این تجمعها بود.

اعتصاب رانندگان تاکسی در شهر بوکان

روز سه شنبه ۱۵ اردیبهشت ۸۸ ساعت ۱۰ صبح بیش از صد نفر از رانندگان تاکسی در شهر بوکان با تجمع در سه راه شهامت دست به اعتصاب زدند و وسایل نقلیه خود را چندین ساعت متوقف کردند. اعتراض رانندگان بخاطر عدم تناسب کرایه با افزایش هزینه مایحتاج زندگی که هر روز افزایش پیدا می کند و همچنین قیمت و سهمیه بندی بنزین است. نیروی انتظامی تلاش کرد تا مانع شرکت رانندگانی که می خواستند به این تجمع بپیوندند بشود اما موفق به انجام این کار نشدند.

حمایت وسیع کارگران مراکز مختلف تولیدی و خدماتی سنندج از کارگران دستگیر شده اول ماه مه در تهران

لحظه به لحظه ضمن حمایت از خواست آزادی بی قید و شرط کارگران در بند، آمادگی خود را برای دفاع عملی و موثر از کارگران بازداشت شده، از جمله برگزاری تجمع، تا آزادی تمامی دستگیر شدگان اجتماع اول ماه مه در پارک لاله ابراز داشتند. در اطلاعیه های بعدی خبرهای تکمیلی در این زمینه به اطلاع عموم خواهد رسید. زنده باد همبستگی کارگری اتحادیه آزاد کارگران ایران ۱۳/۲/۸۸

کارگران کارخانجات و مراکز صنعتی و خدماتی سنندج با برقراری تماس های مکرر و پیگیرانه با اتحادیه آزاد کارگران ایران، هم سرنوشتان خود را که در تجمع روز جهانی کارگر در پارک لاله تهران دستگیر شده اند، مورد حمایت قرار دادند. کارگران کارخانجات شاهو، پرریس، نساجی کردستان، غرب بافت، آجر شیل، شیرپاک آرا، گونی بافی سما، آرد فجر، نیرو رخش، کارگران بخش خدماتی بیمارستان توحید و جمعی از بازنشستگان شهرستان سنندج با برقراری تماس

زنده باد کانال جدید! اعلام کمپین جمع آوری ۳۰۰ هزار دلار کمک مالی جهت تامین ادامه کاری کانال جدید

کمک های خود بار دیگر تداوم کانال جدید این ابزار مهم سازماندهی اعتراض و مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی، این وسیله متحد کردن توده های میلیونی برای تحقق شریف ترین آرمانهای بشری را ممکن میگردانید.

زنده باد کانال جدید!
مرگ بر جمهوری اسلامی
زنده باد جمهوری سوسیالیستی

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۳ آپریل ۲۰۰۹

باردیگر با کمک های بیدریغ خود، با سازماندهی جمع آوری کمک مالی در بین همکاران و آشنایان، تداوم کانال جدید را فراهم کنید.

بدینوسیله به اطلاعاتان میرسانیم که از روز دوشنبه ۴ ماه مه ۲۰۰۹، برابر با ۱۴ اردیبهشت ۱۳۸۸، کمپین وسیع و علنی جمع آوری کمک مالی را شروع خواهیم کرد که به مدت ۶ هفته ادامه خواهد داشت. ما امیدواریم در طی این مدت مبلغ ۳۰۰ هزار دلار از داخل و خارج کشور جهت تامین هزینه های کانال جدید جمع آوری کنیم. ما اطمینان داریم که شما با

کارگران، زنان، جوانان، مردم شریف!

کانال جدید، کانال انقلاب، این تریبون بیان حرفهای دل شما و اعلام کیفرخواست و اعتراض شما علیه جمهوری اسلامی و علیه همه نابرابری ها، برای ادامه کار خود به کمک فوری شما نیاز دارد. کانال جدید همه ما را به هم نزدیک کرده است و باید با قدرت و اعتماد به نفس پیش رود و فعالیت آن گسترش یابد. حزب کمونیست کارگری همه شما عزیزان، همه آزادیخواهان و برابری طلبان، همه بینندگان کانال جدید، همه دوستداران و اعضا و کارهای حزب را فرامیخواند تا

دستگیر شدگان اول ماه مه
باید فوراً و بدون قید و شرط آزاد شوند!

اول مه ۸۸ نقطه عطفی

مهم ...

از صفحه ۱

موجود کارگری در يك صف واحد و با يك قطعنامه واحد به پیشواز روز جهانی کارگر رفتند. روز، ساعت و محل مراسم اول مه را مستقل از دولت، کارفرمایان و خانه کارگر و شوراهای اسلامی‌شان اعلام کردند و فراخوان به تجمع دادند.

طبق گزارشی که در رابطه با اول مه سال ۸۸ تا کنون منتشر شده است در تهران، تبریز، اراک، کرمانشاه، سنندج، اهواز، بندر عباس، قصرشیرین، رشت، سقز و کامیاران اقدام به تجمع و برگزاری اول مه شده است.

در همه شهرها، مراسمهای اول مه با یورش نیروهای امنیتی و انتظامی رژیم مواجه شده و با بدلیل حضور گسترده نیروهای سرکوب و علی‌رغم تجمع مردم، مراسم برگزار نشده است. طبق گزارشات رسیده در سنندج ۶ نفر، در بندرعباس ده نفر و در تهران بیش از ۱۵۰ نفر دستگیر شده اند. به دلیل شرکت وسیع زنان در این مراسمها تعداد زنان دستگیر شده بیش از مردان است.

مراسم پارک لاله در تهران از همان دقایق اول مورد یورش وحشیانه نیروهای انتظامی و لباس شخصی قرار گرفت و بیش از ۱۵۰ نفر از فعالین کارگری و شرکت کنندگان این تجمع بازداشت شدند. تعدادی از چهره های شناخته شده جنبش کارگری در میان بازداشت شدگان هستند. طبق خبری که اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کرده است تا روز پنجم ماه می ۲۵ نفر از بازداشت شدگان آزاد شده اند. اسامی تعدادی از بازداشت شدگان که تا کنون اعلام شده است عبارتند از:

۱- جعفر عظیم زاده، رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲- شاپور احسانی راد، نماینده کارگران اخراجی کارخانجات نورد و پروفیل ساوه و عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران ۳- بهرام (عیسی) عابدینی، عضو اتحادیه آزاد

کارگران ایران ۴- سعید یوزی، عضو کمیته پیگیری ۵- محمد اشرفی عضو کمیته پیگیری ۶- یونس ارژنگ فعال کارگری ۷- فرهاد ۸- مهدی شاندیز فراهانی ۹- صالح کیابادی ۱۰- منصور حیات غیبی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران ۱۱- بهزاد خباز ۱۲- غلامرضا خانی، عضو سندیکای شرکت واحد ۱۳- سیروس فتحي ۱۴- مریم محسنی ۱۵- پروانه قاسمیان ۱۶- فاطمه شاه نظری ۱۷- شریفه فتحی ۱۸- شریف محمدی ۱۹- محمد لطفی ۲۰- فرج الله سعدي، ۲۱- علی رضا تقفي ۲۲- محسن تقفي ۲۳- بهروز خباز ۲۴- فایق کیخسروی ۲۵- زانیار احمدی ۲۶- نجمه رنجبران ۲۷- علی معذب ۲۸- سعید سجودی ۲۹- جمال سید علی ۳۰- سیروس رهیاد ۳۱- حمید قربانی ۳۲- سید جواد موسوی از فعالان دانشجویی ۳۳- یکزاد زنگنه ۳۴- امیر یعقوب علی ۳۵- کاوه مظفری ۳۶- پوریپیش تازه، ۳۷- طاهها ولی زاده ۳۸- جلوه جواهری از اعضای کمپین تغییر برای برابری ۳۹- افسانه عظیم زاده ۴۰- حسین میربهراری ۴۱- مریم میربهراری ۴۲- احمد داوودی ۴۳- مریم یمنی ۴۴- امید شفیعی ۴۵- مهران یزیدی ۴۶- حمید یعقوب علی ۴۷- محمد احسان ۴۸- نسرین علیزاده ۴۹- بهرام (عیسی) عابدینی ۵۰- لاله محمدی ۵۱- فاطمه اقدامی ۵۲- مسعود لقمان ۵۳- بهناز فرمانبر ۵۴- میثم جعفر نژاد ۵۵- اسدالله پورفرهاد ۵۶- علیرضا فیروزی ۵۷- هما ازدرنیا ۵۸- حمید خادمی ۵۹- عین اله بصیری ۶۰- غلامرضا رجبی ۶۱- سجاد سبزعلی پور ۶۲- آيسان زرفام ۶۳- * خوشبخت ۶۴- احمد داوودی ۶۵- بهنام * و....

در جریان برگزاری مراسم روز جهانی کارگر در سنندج ۶ نفر دستگیر شدند که عبارت بودند از: ۱- منصور کریمی‌ان ۲- شیوا سبحانی ۳- شب بو (گلریز) خلوی ۴- فرازم عبیدی (نوجوان ۱۴ ساله) ۵- فواد کیخسروی ۶- بابک باجلانی. این

تحولات، تعیین تاکتیک و سیاست درست ممکن نیست.

این تاکید ممکن است بدیهی و ابتدایی به نظر برسد. اما هنگامیکه سیاست و نقش تعدادی از احزاب سیاسی و بعضی فعالین و تشکلهای کارگری را در دوره قبل مورد بازبینی قرار میدهید متوجه میشوید که این تاکید نه تنها مهم بلکه حیاتی است. زیرا کم نبودند احزاب و تشکلهایی که خود را "چپ"، "کمونیست" و فعال کارگری میدانستند، اما در دوره قبل و بویژه چند ماه قبل از اول ماه مه امسال در بهترین حالت منزله طلبانه و آرزوهایشان را تکرار کردند و یا به عنوان مانع در مقابل پیشروی جنبش کارگری عمل کردند.

اما علیرغم موانعی که گرایشات غیر کارگری و غیر اجتماعی ایجاد کردند این واقعیت انکار ناپذیر نباید کم رنگ شود که جمهوری اسلامی و سرمایه داران مانع اصلی پیشروی جنبش کارگری و دیگر جنبشهای انقلابی هستند. صف آرایی ما باید اساسا علیه ارتجاع حاکم و نظام کار مزدی باشد. اما برای پیشروی علیه جمهوری اسلامی و برپایی جامعه ای سوسیالیستی کمونیستها ناچارند همیشه گرایشات غیر کارگری و بازدارنده را چه در درون جنبش کارگری و چه در بیرون آن مورد نقد قرار داده و حاشیه ای کنند. بدون حاشیه ای کردن گرایشات غیر کارگری و بورژوازی که در لباس دفاع از کارگر حرف میزند نمیتوان طبقه کارگر و اقشار معترض و حق طلب جامعه را بر محور يك سیاست کارگری کمونیستی گرد آورد.

در میان اپوزیسیون بورژوازی کم نیستند احزابی که به اسم چپ حرف میزنند. همچنین افراد و تشکلهای معدودی در میان کارگران وجود دارند که نه به عنوان راه حل بلکه به عنوان مانع پیشروی جنبش کارگری باید نقد و افشا شوند.

اگر از سیاستهای پایه ای و غیر کارگری و غیر اجتماعی جریانات مورد اشاره بگذریم و فقط به مباحثات آنها حول کمپین

دستمزدها و برخورد به تشکلهای فعالین کارگری از يك سال قبل نگاهی بیندازیم، متوجه این واقعیت میشویم که جریاناتی از سر شکم سیری به مخالفت با آنها پرداخته و جریاناتی که تازگی متوجه شده اند که کارگر "مهم" است و جنبش کارگری "مهم" است وارد این نوع مباحث شده اند. این جریانات در خوشبینانه ترین حالت نه مکانیسمهای تغییر و تحول جامعه را میشناسند و نه عمقی در مباحثاتشان مشاهده میشود. در این میان البته گرایشاتی از خود فعالین کارگری "چپ" هم هستند که به همین درجه پرت و غیر زمینی وارد مباحث و مسایل جنبش کارگری شده اند.

در این بحث به خانه کارگر و شوراهای اسلامی نمیردازیم زیرا کمتر کارگری در ایران پیدا میشود که به این دار و دسته دولتی توهمی داشته باشد. گرایش سندیکالیستی و رفومیستی هم تاریخا در جنبش کارگری ایران از جایگاه قوی و اجتماعی برخوردار نبوده است. به اشتباه و نادرست جریاناتی که در نقد سندیکالیسم و رفومیسم قلم زده اند نمونه های مورد اشاره شان یا گرایشات دوم خردادی بوده و یا گرایشات امکانگرا و پراگماتیست که هیچکدام از اینها گرایشات پایدار و اجتماعی در جنبش کارگری نیستند. زیرا این گرایشات تابع تعادل قوای حاکم در جامعه میباشد. سندیکالیسم و رفومیسم در جنبش کارگری يك گرایش داده شده و واقعی است. اما به دلیل فضای خفقان و به دلیل دیکتاتوری حاکم، که سنت همه دولتها در تاریخ ایران بوده است، عملا همزمنی سنتهای سیاسی سرگونی طلبانه در مقابل حاکمان دیکتاتور در ایران سنت اصلی در جامعه و در جنبش کارگری بوده است. و همین فاکتور امکان مانور و گرد آوری نیرو به گرایش سندیکالیستی نداده و نمیدهد.

برای روشن شدن این حکم کلی لازم است تاکید کنم که رفومیسم و سندیکالیسم تابع و نتیجه سیاست

اول مه ۸۸ نقطه عطفی

مهم ...
از صفحه ۸

یک بخش از بورژوازی فرم طلب در جامعه و در حاکمیت است. بدون یک حاکمیت فرم پذیر و یک اپوزیسیون بورژوازی فرم طلب انتظار اینک که رفرمیسم و سندیکالیسم در جنبش کارگری به یک جریان قوی و اجتماعی تبدیل شود یک توهم و یک تحلیل ذهنی بیش نیست.

هم اکنون هم بعضا شاهد این هستیم که فلان تشکل یا فعال کارگری خود را سندیکالیست و مبارزه خود را صنفی معرفی میکند. اما به طور واقعی در جنبش کارگری ایران هنوز یک گرایش قوی سندیکالیستی شکل نگرفته است. آنچه تا کنون شاهد آن بوده ایم گرایشات محافظه کار، امکانگرا و گرایش کمونیستی و رادیکال است که قابل مشاهده هستند. کمونیسم و رفرمیسم دو گرایش پایدار در جنبش کارگری هستند. اما قدرت و جایگاه سندیکالیسم در جنبش کارگری همان اندازه قابل مشاهده و قابل توجه است که لیبرالیسم بورژوازی در میان طبقه بورژوا در ایران، که هیچ وقت در تاریخ ایران هیچ بخشی از بورژوازی نتوانسته است لیبرالیسم را نمایندگی کند. در ایران، دیکتاتوری و تلاش برای ایجاد استثمار شدید و تحمیل کار ارزان و کارگر خاموش،

سیاست همه اقشار حاکم بورژوازی در تاریخ ایران بوده است. نقش و تقسیم کاری که بورژوازی ایران در چهار چوب مناسبات بورژوازی جهانی به عهده دارد حکم میکند که مستبد و سرکوبگر باشد. این خصلت الزاما ربطی به ماهیت ایدئولوژی ناسیونالیستی یا اسلامی و منش دیکتاتور مابانه این یا آن بخش بورژوازی ندارد. هیچ بخش "خوش نیت" و "خوش قلب" بورژوازی در ایران نمیتواند لیبرال و دمکراسی طلب باشد. بورژوازی در ایران برای حفظ حاکمیت خود ناچار است و باید دیکتاتور و سرکوبگر باشد. این توهم که گویا اقشاری از بورژوازی ایران میتوانند دمکراسی را رعایت کند و لیبرال باشد فقط یک ادعای پوچ و فریبنده است.

با توجه به جایگاه و موقعیت تقسیم کار بورژوازی در تولید جهانی و با اتکا به موقعیت تاریخی بورژوازی در ایران ما نه شاهد وجود بورژوازی لیبرال در ایران هستیم و نه شاهد وجود یک جنبش قوی رفرمیستی و سندیکالیستی در جنبش کارگری هستیم. بنابر این بحث صنفی گری و غیر سیاسی قلمداد کردن این یا آن تحرك کارگری به دلایل سیاسی تاریخی که مختصرا به آن اشاره شد موضوعی نیست که در جامعه ایران بتواند جایگاهی جدی داشته باشد.

خود بورژوازی اجازه چنین حرکتی را نداده و نمیتواند بدهد.

صنفی گری، رفرمیسم و سندیکالیسم و لیبرالیسم و... حاصل ایده و نظر این یا آن جریان سیاسی و فعال اجتماعی نیست. اگر این گرایشات پایه واقعی و عینی اجتماعی نیابند امکان حقیقه کردن ایدئولوژیک آن غیر ممکن است.

اول مه امسال در شرایطی برگزار شد که علاوه بر بحران مزمین سه دهه قبل که بورژوازی ایران به آن مبتلا بود با بحران جهانی فعلی هم مواجه شد. سرکوبگری و حمله بیرحمانه رژیم اسلامی به کارگران و مراسمهای اول مه در پایه ای ترین تحلیل نیاز و خصلت همیشگی بورژوازی بحران زده ایران بود. این شرایط را باید ضربرد اسلامیت رژیم حاکم و نفرت مردم از آن کرد تا دلیل قساوت حاکمان را بهتر متوجه بشویم.

اما اول مه امسال و اتحاد و همبستگی فعالین و تشکلهای کارگری برای اقدامی واحد و هماهنگ و قدرت نمایی در مقابل سرمایه داران و دولتشان اتفاقی نبود که در یک حالت روتین صورت گرفته باشد. بخش پیشرو و روشن بین جنبش کارگری فقط هنگامی توانست به این دستاورد مهم نایل آید که گرایشات بازدارنده و موانع زیادی را باید ابتدا نقد و حاشیه ای میکرد.

بنابراین اگر اکنون میتوان از یک

پیشروی و از یک دستاورد و نقطه عطف در جنبش کارگری و تحولی جدی در جامعه ایران حرف زد، این مهم در پرتو دستاوردها و هژمونی سیاستهای چپ و کمونیستی و در پرتو نقد سیاستهای غیر کارگری و غیر اجتماعی و حاشیه ای کردن آنها ممکن شده است. علاوه بر این در چند سال گذشته گرایشات سازشکار و امکانگرا در جنبش کارگری به سترونی سیاست و عملکرد خود پی بردند و امید به دوم خردادیها و اصلاحات حکومتی به پایان خود رسید. واقعیات سرسخت مبارزه طبقاتی و سنتهای حاکم و هژمونیک در جامعه چه در میان سرمایه داران و حکومتشان و چه در میان کارگران و تضاد این دو طبقه را چنان حاد و سرنوشت ساز کرده است که جایی برای هیچ نیروی بینایی نمیگذارد.

به همین دلیل قطعنامه اول مه کارگران و نقدش به جامعه و نظام سرمایه داری و خواسته ها و مطالبات مطرح شده در آن هیچ رنگ و بویی از سندیکالیسم و جریانات امکانگرا را منعکس نمیکند. قطعنامه سراسری کارگران به مناسبت اول مه ۸۸ یک نقد رادیکال و از زاویه منافع طبقه کارگر را نمایندگی میکند. هیچ جا پایی از سندیکالیسم و رفرمیسم در آن قابل مشاهده نیست.

هژمونی سیاستهای چپ و از زاویه منافع کل طبقه در میان

فعالین و رهبران جنبش کارگری حاصل یک دوره طولانی کشمکش گرایش کمونیستی علیه گرایشات بورژوازی و غیر کارگری است. این دستاورد را با دستگیری و سرکوب فعالین کارگری نمیتوانند بازپس بگیرند. زیرا این گرایش اکنون بسیار فراتر و عمیقتر و اجتماعی تر از آن است که با ایجاد محدودیت برای تعدادی از فعالین کارگری و زندانی کردن و سرکوب آنها بتوانند مانع رشد و بالندگی آن بشوند. این غول از بطری بیرون آمده است. حرکتی اجتماعی است. محدود به تعدادی فعال کارگری نیست. هیچ نیرویی یارای برگرداندن آن به مکان اولیه را ندارد. اول مه و سیمای متحد و یکپارچه کارگران و فعالین کارگری در تشکلهای مختلف تنها یکی از نتایج و دستاوردهای پیشروی گرایش چپ و کمونیستی در ایران است.

با این حال لازم به تاکید است که نقطه عطف ایجاد شده و نقش و تاثیر اتحاد و همبستگی تشکلهای و مراکز مختلف کارگری در اول مه امسال بسیار فراتر و عمیقتر از محدوده تاثیرات مراسمهای تا کنونی است. در شرایط کنونی تلاش برای آزادی همه دستگیر شدگان اول مه امر هر انسان آزادیخواه و هر کارگر معترضی است. حزب کمونیست کارگری با تمام قدرت در این راستا تلاش سازمانیافته خود را بکار خواهد گرفت



ایسکرا ، برنامه ای بزبان کردی

در کانال جدید

برنامه ایسکرا روزهای

یکشنبه

و سه شنبه و پنجشنبه

ساعت ۴ و نیم بعدازظهر

بوقت تهران پخش میشود

تهیه کننده برنامه:

یدی محمودی

یک دنیای بهتر
برنامه حزب را
بخوانید و در
سطح وسیع توزیع
کنید



عبدل گلپریان

کودکی را در اول مه به دار میکشد و به جمع کارگران و مردم حمله می کند دارد بر خود می لرزد و به رعب و وحشت افتاده است. مردم عزم جزم کرده اند که مجازات اعدام و بویژه اعدام کودکان را متوقف کنند. جنبش عظیمی که علیه مجازات اعدام در ایران برافزوده است باید حکومت اسلامی را خلع طناب کند، باید ساطور قصابی کودکان و جرتقیل های این آدمکشان را از دستشان بگیرد. خلع بد این اوباشان از اعدام و قتل عمد دولتی، یعنی آغاز سرنگونی منفورترین و جانی ترین حکومت تاریخ معاصر. جنبش علیه اعدام، کمیته بین المللی علیه اعدام، کانال جدید و میلیونها انسان آزاده این را تضمین خواهند کرد و آنرا به سرانجام خواهند رساند.

۴ مه ۲۰۰۹

این اعمال ضد انسانی حکومت اعدام، برای هر انسان شرافتمندی آشناست. ۳۰ سال تمام مردم این-توحش را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند. به ستوه آمده اند و برای خلاصی از آن خود را آماده می کنند. این سیستم قرون وسطایی تنها با توصل به سرکوب، اعدام، زندان و سنکسار است که خود را نگه داشته است. آنچه که امروز برای مردم برای کارگران و کل جامعه به امری عاجل تبدیل شده است همانا بزیبر کشیدن این قاتلان و سرنگونی نظام سرپا نکبت اسلامی آنان است. وقتی که دسته دسته جوانان و مردم اعلام می کنند برای مبارزه علیه حکومت ضد بشری اسلامی به صف انقلاب مردم و برای سرنگونی این نظام به حزب کمونیست کارگری می پیوندند، اینها نشان از صوت پایان عمر این اوباشان است. با اعدام دلارا توسط جلادان اسلامی حاکم بر ایران، تنفر و انزجار عمومی گسترده ای در داخل و خارج از ایران برافزوده است و جنبش علیه اعدام می رود تا به قتل عمد دولتی افسار بزنند.

با اعدام دلارا اما کسی مرعوب نشد، با حمله به اول مه کسی مرعوب نشد. حکومتی که

انتظارات مردم برای ارج نهادن به انسانیت، برای ارج نهادن به احساس و عواطف بشری، آزادیخواهی و برابری طلبی را اینچنین پاسخ خواهند داد. اعدام دلارا اما ناتوانی، استیصال و درماندگی مثنی از گور برخاسته را در آخرین روزهای عمر سرپا کثیف و ضد بشری این رژیم را در ابعاد چندین سال افشای ماهیت آن را حتی به صفوف خودشان نشان داد. هم اکنون بیش از ۱۳۰ کودک زیر خطر اعدام هستند و هزاران انسان دیگر سالهاست در زندانهای اسیر هستند.

احتیاجی به رو کردن و نشان دادن این درماندگی نیست، امروز دیگر نیازی به این نیست که نشان داده شود چرا و کیل دلارا از اعدام او در اول مه باخبر نبود، نیازی به این نیست که فهمیده شود چرا مادر و پدر دلارا را مطلع نکردند، دیگر نیازی نیست که مردم بدانند ۳۰ سال مدت در این-مملکت قانون یعنی قانون جنگل، و وقتی آن مرد ۴۰ ساله در تامل با کانال جدید می گوید بعد از سالها مسلمانی کردن و نماز خواندن، منبعد به مسجد و جانماز تف می اندازد، دیگر نیازی به این نیست تا عمق لجن اسلامی را بیش از این معرفی کرد. تمامی

آخرین لحظات زندگی دلارا در اول مه با زندگی میلیونها نفر درهم آمیخت

به رخ هم می کشند. خواستند با اعدام دلارا در روز اول مه به جامعه اخطار داده باشند و به میلیونها انسان در ایران بگویند اگر زیاده روی کنید، اگر رفاه بخواهید، اگر حق خواهی کنید، اگر از زندگی انسانی دم بزنید، اگر مطیع نباشید و دهها اگر دیگر... ، خواهیم کشت، زندان می کنیم، اعدام می کنیم.

می توانستند همچون همیشه ده نفر و بیست نفر را در این روز اعدام کنند. اما انتخاب دلارا در ۱۱ اردیبهشت معنی سه یلی وسیعتر و اجتماعی تری داشت. از هفته ها قبل اعتراض مردم علیه این حکم ضد بشری تمام مرزها را درنوردید. انسانیت در دفاع از دلارا و علیه قتل عمد دولتی و قوانین عصر حجری قضاص، لرزه بر پیکر کودک کشان انداخت. کارگران و صف انسانیت و آزادی خواهی با خواست و مطالباتش برای اول مه در قطعنامه هایش اعلام کردند که اعدام و اعدام کودکان باید برچیده شود. جانپان اسلامی با اعدام دلارا به کارگران و کل جامعه خواستند نشان دهند که

حکومت اسلامی در روز اول مه دلارا را کشت. جنایتی بمراتب سنگین تر از هر اعدامی را مرتکب شد. سنگین تر به این معنا که قبل از اجرای این حکم ضد بشری، مردم زیادی علیه مجازات اعدام و علیه حکم اعدام دلارا به دفاع از انسانیت پرداختند. توقف مجازات اعدام را فریاد زدند. حکومت اسلامی و قوانین ماقبل قرون وسطایی اش را محکوم کردند. رژیم اسلامی با اعدام دلارا وحشت خود را از قدرت اول مه به مردم نشان داد. تنفر و انزجار وسیعی در داخل و خارج کشور علیه این جانوران برانگیخته شده است. سران سردرگم و مفلوک حکومت اسلامی دارند خط و نشان می کشند. صفوفشان در بالا بهم ریخته است. کروی و شریعتمداری بر سر اعدام کودکان و بر سر جنبش عظیمی که که زمین را زیر پایشان داغ کرده است به جان هم افتاده اند. ترسیده اند، به وحشت افتاده اند، خوب می دانند که چه دهن کجی آشکاری به مردم کردند و این رهبریک دارند پیشینه و جنایت و آدم کشی طرف مقابل را

علیرغم سپردن وثیقه ۴۳۰ میلیون تومانی از آزادی فرهاد حاج میرزائی خوداری می کنند

این وثیقه حکم بر آزادی او داده شد. حکم آزادی زندانی سیاسی فرهاد حاج میرزائی از اوایل اردیبهشت ماه صادر شده است. خانواده حاج میرزائی پس از صدور حکم آزادی فرزندشان عازم زندان گهردشت کرج شدند و با ارائه حکم آزادی او به زندان خواستار آزادی فرزندشان شدند ولی علی حاج کاظم رئیس زندان و علی محمدی از آزادی این زندانی سر باز می زنند و به آنها گفته می شود که باید حکم آزادی او از شعبه ۲ امنیت دادگاه

بنابه گزارشات رسیده از بند ۴ زندان گهردشت کرج زندانی سیاسی فرهاد حاج میرزائی علیرغم تامین و سپردن وثیقه سنگین و غیر قابل تصور ۴۳۰ میلیون تومانی در شعبه ۲ دادگاه انقلاب سنندج ولی از آزادی او خوداری می کنند. وثیقه زندانی سیاسی فرهاد حاج میرزائی که بالغ بر ۴۳۰ میلیون تومان می باشد. خانواده او با تلاشهای فراوان توانستند این وثیقه را تامین نمایند. و در شعبه ۲ دادگاه انقلاب سنندج این وثیقه سپرده شد. پس قرار دادن

شکنجه جنسی تهدید به مبتلا کردن به بیماری ایدز و هیپاتیت و سایر شکنجه ها مواجه بود. فردی که آقای حاج میرزائی را مورد بازجویی و شکنجه قرار میداد حاج سعید نام دارد که این نام مستعار سعید شیخان از سر بازجویان وزارت اطلاعات می باشد. زندانی سیاسی حاج میرزائی ۲۳ آذر ماه ۱۳۸۷ از بند ۲۰۹ زندان اوین به زندان گهردشت کرج تبعید شد این در حالی بود که او در بالاتکلیفی بسر می برد. از ۲۳ آذر ماه تا به حال در زندان گهردشت کرج بسر می برد.

آژانس ایران خبر - ۱۳۸۸/۲/۱۵

انقلاب تهران و زندان گهردشت بسر می برند ولی تا به حال موفق به آزادی فرزندشان نشده اند. لازم به یادآوری است فرهاد حاج میرزائی ۲۸ دی ماه ۱۳۸۶ در یکی از خیابانها شهر سنندج توسط مامورین وزارت اطلاعات دستگیر شد و پس از چند روز شکنجه در زندان وزارت اطلاعات سنندج به بند مخوف ۲۰۹ زندان اوین منتقل گردید. او نزدیک به ۱۱ ماه در بند ۲۰۹ زندان اوین بازداشت بود در طی مدت بازداشتش مورد بازجویی بازجویان وزارت اطلاعات قرار داشت که در حین بازجویی از شکنجه های وحشیانه مانند شوک الکتریکی شکنجه با کابل تهدید به

انقلاب تهران صادر شود تا ما او را آزاد کنیم. خانواده حاج میرزائی به شعبه ۲ امنیت دادگاه انقلاب مراجعه کردند و خواستار صدور حکم آزادی فرزندشان شدند. شعبه ۲ امنیت به آنها گفته است که پرونده او در دادگاه سنندج می باشد و باید بر مبنای حکم آزادی که دادگاه سنندج صادر کرده است او آزاد شود ولی از اعلام نظر کتبی خود به زندان گهردشت خوداری می کند و علی حاج کاظم رئیس زندان گهردشت علیرغم حکم آزادی از دادگاه سنندج از آزادی این زندانی سیاسی سر باز می زند. پدر و مادر این زندانی که بیش از ۷۰ سال سن دارند و نزدیک به ۲ هفته است که در تردد بین دادگاه

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!